

کتاب دانیال - شمارهٔ چهل و چهار

افشای بنیادهای گمشده: حقایق نبوی ویلیام میلر و آخرین ایام ادونتیسیم

Jeff Pippenger

2024-01-08

حقایق بنیادی ویلیام میلر در طی چهار نسل ادونتیسیم پوشانده شد. بازگردانی آن حقایق بنیادی در رؤیای دوم او بیان شده است، و در کتاب مقدس و روح نبوت بارها به عنوان کاری که قوم ایام آخر خدا باید به انجام رسانند، مشخص گردیده است. رؤیای میلر نشان می‌دهد که هنگامی که مرد جاروب خاک، جواهرات را باز می‌گرداند، آنها ده بار درخشان‌تر از خورشید خواهند درخشید.

چارچوب میلر بر شناسایی دو قدرت ویرانگر بت پرستی و سپس پاپ‌گرایی استوار بود، و شهادت پولس رسول در باب دوم تسالونیکیان، برای میلر لنگر این چارچوب را فراهم ساخت. پولس در آنجا تصریح می‌کند که روم بت پرست، پاپیت را از برخاستن به قدرت باز می‌داشت، تا زمانی که روم بت پرست از میان برداشته شد. پولس همچنین در دوم تسالونیکیان، لنگر چارچوب Future for America را نیز فراهم آورد، آنگاه که معین ساخت «مرد گناه» در آن باب، همان پادشاهی نیز هست که در دانیال باب یازده، آیه سی و شش، چنین وصف شده است که خویشتن را برمی‌افرازد.

ضروری است که دیده شود افزایش معرفت در جنبش هر دو فرشتهٔ اول و سوم، به طور مستقیم با شهادت پولس در باب دوم تسالونیکیان مرتبط بود. در زمان آخر، در سال ۱۷۹۸، و نیز در ۱۹۸۹، کتاب دانیال گشوده شد، و بدین سان فرایندی سه مرحله‌ای از آزمون آغاز گردید. این فرایند آزمون، همواره در تاریخی که کتاب دانیال در آن گشوده می‌شود، دو گروه از پرستندگان را پدید می‌آورد. ضروری است که نوشته‌های پولس در پیوند با افزایش معرفت در زمان آخر دیده شوند، زیرا دقیقاً در همان باب است که پولس هشدار می‌دهد آنان که «محبّت راستی» را نمی‌پذیرند، از جانب خدا دچار گمراهی شدید خواهند شد. این گمراهی شدید همان چیزی است که در باب دوازدهم دانیال بر شیران عارض می‌شود؛ آنان که افزایش معرفت را رد می‌کنند. در هر دو تاریخ، گمراهی شدید به طور مستقیم‌تر به ادونتیسیم اشاره دارد.

«آن که ورای ظاهر را می‌بیند و دل‌های همهٔ آدمیان را می‌خواند، دربارهٔ کسانی که از نور عظیم برخوردار بوده‌اند، می‌گوید: "ایشان به سبب وضعیت اخلاقی و روحانی خویش در رنج و حیرت نیستند." آری، آنان راه‌های خود را برگزیده‌اند، و جان ایشان از رجاساتشان لذت می‌برد. "من نیز اوهم ایشان را برخوهم گزید، و آنچه از آن می‌ترسند بر ایشان خواهم آورد؛ زیرا هنگامی که ندا دادم، هیچ‌کس پاسخ نداد؛ و چون سخن گفتم، گوش ندادند؛ بلکه آنچه را در نظر من بد بود به جا آوردند، و آنچه را که من از آن خشنود نبودم برگزیدند." خدا ایشان را به گمراهی نیرومند خواهد سپرد تا دروغ را باور کنند، زیرا "محبّت حق را نپذیرفتند تا نجات یابند،" بلکه از ناراستی لذت بردند." اشعیا 3:66، 4:2؛ تسالونیکیان 2:11، 10:12.»

"آسمانی معلم نے دریافت فرمایا: 'اس سے بڑھ کر کون سا فریب ذہن کو بہکا سکتا ہے کہ آدمی یہ دکھاوا کرے کہ وہ درست بنیاد پر تعمیر کر رہا ہے اور خدا اس کے اعمال کو قبول کرتا ہے، حالانکہ حقیقت میں وہ بہت سی باتوں میں دنیوی مصلحت کے مطابق کام کر رہا ہوتا ہے اور یہوواہ کے خلاف گناہ کر رہا ہوتا ہے؟ آہ، یہ ایک عظیم فریب ہے، ایک دل فریب گمراہی، جو ان ذہنوں پر قابض ہو جاتی ہے جب وہ لوگ جو کبھی حق سے واقف ہو چکے تھے، دینداری کی صورت کو اس کی روح اور قدرت سمجھ بیٹھتے ہیں؛ جب وہ یہ گمان کرتے ہیں کہ وہ دولت مند ہیں، مال سے بھرپور ہیں اور کسی چیز کے محتاج نہیں، حالانکہ درحقیقت وہ ہر چیز کے محتاج ہیں۔"

خدا نسبت به خادمان وفادار خویش که جامه‌های خود را بی‌لکه نگاه می‌دارند، تغییری نکرده است. اما بسیاری فریاد برمی‌آورند: «صلح و امنیت»، در حالی که هلاکت ناگهانی بر ایشان فرامی‌رسد. مگر آنکه توبه‌ای کامل صورت پذیرد، مگر آنکه انسان‌ها دل‌های خود را با اعتراف فروتن سازند و حقیقت را آن‌گونه که در عیسی است بپذیرند، هرگز به آسمان داخل نخواهند شد. هنگامی که تطهیر در میان صفوف ما واقع شود، دیگر در آسودگی و آرامش نخواهیم آرمید و به این فخر خواهیم کرد که دولتمندیم و توانگر شده‌ایم و به هیچ چیز محتاج نیستیم.

«چه کسی می‌تواند به‌راستی بگوید: "طلای ما در آتش آزموده شده است؛ و جامه‌های ما از آلودگی جهان بی‌لکه است"؟ من دیدم که آموزگار ما به جامه‌های آنچه به اصطلاح پارسایی نامیده می‌شد اشاره می‌کرد. او آنها را از تن برگرفت و آلودگی نهفته در زیر آن را آشکار ساخت. سپس به من گفت: "آیا نمی‌توانی ببینی که چگونه ایشان به‌گونه‌ای ریاکارانه آلودگی و گندیدگی منش خود را پوشانده‌اند؟ «چگونه شهر امین، زانیه شده است!» خانه پدر من به خانه تجارت بدل شده است، مکانی که حضور و جلال الهی از آن رخت بر بسته است! از این‌رو ضعف پدید آمده و قوت مفقود گشته است."» شهادت‌ها، جلد ۸، ۲۴۹، ۲۵۰.

آدونتیسم در سال ۱۸۴۴، هنگامی که ندای نیمه‌شب را اعلام کرد، «شهر امین» بود. تا سال ۱۸۶۳، فرایند رد کردن «بنیادهایی» را که از طریق خدمت ویلیام میلر برقرار شده بود آغاز کرد. هنگامی که آنان شروع به کنار نهادن حقایق بنیادی کردند و بدین‌سان آنها را با جواهرات و سکه‌های تقلبی پوشانیدند، در حال بنا کردن بنیادی جدید بودند. کسانی که آن کار را آغاز کردند، به انجام رساندند و همچنان ادامه می‌دهند، در نوشته‌های روح نبوت به‌عنوان «کسانی که نور عظیم داشته‌اند» معرفی شده‌اند.

آن «نور عظیم»ی که زمانی داشتند، در رؤیای میلر به‌صورت جواهراتی در صندوقچه‌ای به تصویر کشیده شد که میلر آن را بر میزی در مرکز اتاق خود نهاد، و آن جواهرات از «خورشید» نیز درخشان‌تر می‌تابیدند. در عبارتی که هم‌اکنون بدان اشاره شد، خواهر وایت «آنان را که نور عظیم داشته‌اند» مشخص می‌سازد، اما «راه‌های خود را برگزیده‌اند».

آنان در سال ۱۸۶۳ راهی تازه برگزیدند. او می‌گوید این «فریبی دل‌فریب است که چون کسانی که زمانی حقیقت را شناخته‌اند، صورت دینداری را با روح و قوت آن اشتباه می‌گیرند، و می‌پندارند که دولتمند شده و بر اموال افزوده‌اند و به هیچ چیز محتاج نیستند، حال آنکه در واقع به همه‌چیز محتاج‌اند، بر ذهن‌ها چیره می‌شود.»

او در حال شناسایی وضعیت لااودیکیه‌ای است؛ وضعیتی که او و شوهرش تشخیص دادند در سال ۱۸۵۶ رخ داد. سپس آنان به مدت هفت سال مورد آزمون قرار گرفتند، اما در سال ۱۸۶۳ در آن آزمون مردود شدند، و بنای بنیاد کاذبی را آغاز کردند که فریب نیرومند پیام هشداردهنده پولس را در تسالونیکیان به همراه می‌آورد. هشدار پولس در تسالونیکیان، لنگری برای هر دو جنبش آغاز و پایان آدونتیسم است، و به‌طور کامل با رؤیای میلر، که هم آغاز و هم پایان آدونتیسم را مورد خطاب قرار می‌دهد، هماهنگ است. رؤیای او مشخص می‌سازد که هنگامی که کار بازگرداندن جواهرات اصیل حقیقت به انجام برسد، آن حقایق ده بار درخشان‌تر از زمانی خواهند درخشید که نخستین بار در فریاد نیمه‌شب در آغاز آدونتیسم درخشیدند. چگونه است که فهم میلر اکنون از زمانی که او نخست حقیقت را تشخیص داد، روشن‌تر می‌درخشد؟

بر دو لوح مقدس باب دوم حقیق، چندین حقیقت به تصویر کشیده شده است. این حقایق در رؤیای میلر به‌صورت جواهراتی نمایان شدند که در نهایت در ایام آخر، اندکی پیش از فریاد نیمه‌شب، بازگردانیده می‌شدند. جواهرات جعلی‌ای که در رؤیای میلر از پنجره به بیرون برده می‌شوند، هم

نشان‌دهنده آموزه‌های باطلی هستند که برای پدید آوردن بنیادی کاذب به ادونتیس‌م وارد شدند و نیز برای پنهان ساختن بنیاد حقیقی؛ اما همچنین نمایانگر کسانی نیز هستند که از رها کردن آموزه‌های باطلی که بنیاد کاذب را تشکیل می‌دهند، سرباز می‌زنند. «دائمی» لنگر چارچوب حقیقت و ویلیام میلر بود که بنیاد اولیه را استوار ساخت، و در ایام آخر «دائمی» نه تنها نماد بت‌پرستی است، چنان که میلر به‌درستی تشخیص داد، بلکه نماد عصیان نیز هست که بنیاد کاذب را پدید آورد.

کتاب مقدس، روح نبوت و تاریخ، همگی شهادت می‌دهند که فریاد ساعت دآوری از ۱۷۹۸ تا ۱۸۴۴، اعلام پیامی بود که ویلیام میلر آن را کشف کرد و ارائه نمود. از همین رو، آن جنبش «جنبش میلری» نامیده می‌شود. منطقی است که رد کردن آن جنبش، به منزله رد کردن نوری باشد که در ۱۷۹۸ پدید آمد؛ همان نوری که دانیال آن را افزایش معرفت معرفی کرد.

اشعیا از مستان افرایم سخن می‌گوید و آن مستان را همان مردان استهزاکننده‌ای معرفی می‌کند که بر قوم اورشلیم حکومت می‌کنند. اشعیا تصریح می‌کند که آنان از شراب ظاهری مست نیستند، بلکه از شراب روحانی مست‌اند. شراب روحانی در کتاب مقدس، بسته به سیاق، یا تعالیم راستین است یا تعالیم کاذب. مستان افرایم از تعالیم کاذب، یعنی شراب بایل، مست‌اند؛ همان‌گونه که در فصل هفدهم مکاشفه، به وسیله فاحشه صور، و نیز در آخرین شب بزم بلشصر، نمود یافته است.

لاشعیا ارب موق یک می‌لشوری وج یک ی‌ه‌د ناشن یک تارثا لک ی‌ت‌س‌م ی‌ناحور س‌ا ع‌ن
ل‌ه ی‌ت‌و‌ه ی‌راط رپ ل‌وی‌م‌د‌ا ل‌ا و ع‌ن رک اه‌ث‌ه‌ث ل‌ا و ع‌ن رک ت‌م‌وک‌ح

در شگفت شوید و حیران بمانید؛ فریاد برآوردید و ناله کنید: ایشان مست‌اند، اما نه از شراب؛ تلوتلو می‌خورند، اما نه از مسکر. زیرا خداوند روح خواب عمیق را بر شما ریخته، و چشمان شما را بسته است؛ انبیا و رؤسای شما را، یعنی بینایان را، پوشانیده است. و تمامی رؤیا برای شما همچون سخنان کتابی مهرشده شده است که آن را به شخصی دانا می‌دهند و می‌گویند: «خواهش می‌کنم این را بخوان.» و او می‌گوید: «نمی‌توانم، زیرا مهر شده است.» و کتاب را به کسی که نادان است می‌دهند و می‌گویند: «خواهش می‌کنم این را بخوان.» و او می‌گوید: «من سواد ندارم.» پس خداوند فرمود: «از آن رو که این قوم با دهان خود به من نزدیک می‌شوند و با لب‌های خویش مرا حرمت می‌نهند، اما دل خود را از من دور ساخته‌اند، و ترس ایشان از من به فرمان آدمیان آموخته شده است، بنابراین، اینک من بار دیگر در میان این قوم کاری شگفت‌انگیز خواهم کرد، کاری شگفت‌انگیز و عجیب؛ زیرا حکمت حکیمان ایشان نابود خواهد شد، و فهم فهیمان ایشان پنهان خواهد گردید. وای بر آنان که ژرف می‌کوشند تا مشورت خویش را از خداوند پنهان دارند، و اعمالشان در تاریکی است، و می‌گویند: "چه کسی ما را می‌بیند؟ و چه کسی ما را می‌شناسد؟" یقیناً واژگون ساختن امور از سوی شما همچون گل کوزه‌گر به شمار خواهد آمد؛ زیرا آیا مصنوع درباره صانع خود خواهد گفت: "او مرا نساخته است؟" یا آیا مخلوق شکل‌یافته درباره شکل‌دهنده خود خواهد گفت: "او فهم نداشت؟" اشعیا ۲۹: ۱۶-۱۷.

خواهر وایت این آیات را نقل می‌کند و سپس می‌افزاید:

«هر کلمه این، به انجام خواهد رسید. کسانی هستند که دل‌های خود را در حضور خدا فروتن نمی‌سازند و در راستی سلوک نخواهند کرد. آنان مقاصد حقیقی خویش را پنهان می‌دارند و با فرشته سقوط‌کرده در مشارکت باقی می‌مانند؛ همان که دروغ را دوست می‌دارد و پدید می‌آورد. دشمن روح خود را بر مردانی می‌نهد که می‌تواند از ایشان برای فریب دادن کسانی که تا حدی در تاریکی‌اند استفاده کند. برخی در حال آمیخته شدن با تاریکی حاکماند و حقیقت را برای خطا کنار می‌نهند. روزی که نبوت بدان اشاره کرده است فرا رسیده است. عیسی مسیح شناخته نمی‌شود. عیسی مسیح برای آنان افسانه‌ای بیش نیست. در این مرحله از تاریخ زمین، بسیاری همچون مردان مست رفتار می‌کنند. «درنگ کنید و متحیر شوید؛ فریاد برآوردید و ناله کنید؛ ایشان مست‌اند، اما نه

از شراب؛ تلوتلو می‌خورند، اما نه از مسکر. زیرا خداوند روح خواب عمیق را بر شما ریخته و چشمان شما را بسته است. انبیا و رؤسای شما، یعنی غیب‌بینان را، او پوشانیده است.» مستی روحانی بر بسیاری مستولی است که می‌پندارند همان مردمی هستند که سرافراز خواهند شد. ایمان دینی ایشان دقیقاً همان‌گونه است که در این آیه کتاب مقدس تصویر شده است. تحت تأثیر آن، نمی‌توانند راست گام بردارند. آنان در مسیر کردار خود راه‌های کج می‌سازند. یکی پس از دیگری، به این سو و آن سو تلوتلو می‌خورند. خداوند با ترحمی عظیم به ایشان می‌نگرد. راه حقیقت را نشناخته‌اند. آنان نیرنگ‌بازان علم‌پیشه‌اند، و کسانی که می‌توانستند و می‌بایست به سبب بینایی روشن روحانی یاری رسانند، خود فریفته شده‌اند و از کاری شریrane پشتیبانی می‌کنند.»

«تحوالات این ایام آخر به زودی صورت قطعی به خود خواهد گرفت. هنگامی که این فریب‌های روح‌باورانه آشکار شود که در حقیقت چیستند—یعنی اعمال پنهانی ارواح شریر—آنان که در آن‌ها نقشی ایفا کرده‌اند، همچون مردمانی خواهند شد که عقل خویش را از دست داده‌اند.»

«بنابراین خداوند می‌فرماید: چون این قوم با دهان خود به من نزدیک می‌شوند و با لب‌های خویش مرا تکریم می‌کنند، اما دل‌های خود را از من دور ساخته‌اند، و ترسشان از من چیزی است که به فرمان آدمیان به آنان تعلیم داده شده است؛ از این رو، اینک من بار دیگر در میان این قوم عملی شگفت‌انگیز به عمل خواهم آورد، آری، عملی شگفت و حیرت‌انگیز؛ زیرا حکمت حکیمان‌شان نابود خواهد شد، و فهم خردمندان‌شان پنهان خواهد گردید. وای بر آنان که رأی خویش را به ژرفا فرو می‌برند تا آن را از خداوند پنهان سازند، و اعمال‌شان در تاریکی است، و می‌گویند: چه کسی ما را می‌بیند؟ و چه کسی ما را می‌شناسد؟ یقیناً واژگونه ساختن امور از سوی شما همچون گل کوزه‌گر محسوب خواهد شد؛ زیرا آیا ساخته درباره سازنده خود خواهد گفت: او مرا نساخت؟ یا آیا چیزی که پرداخته شده است درباره پردازنده خود خواهد گفت: او فهمی نداشت؟»

«ما چنین نشان داده شده است که در تجربه ما، ما با همین وضعیت امور روبه‌رو بوده‌ایم و اکنون نیز هستیم. مردانی که از نور عظیم و امتیازات شگفت‌انگیز برخوردار بوده‌اند، سخن رهبرانی را پذیرفته‌اند که خود را حکیم می‌پندارند، که از سوی خداوند بسیار مورد التفات و برکت واقع شده بودند، اما خویشان را از دستان خدا بیرون کشیده و خود را در صفوف دشمن قرار داده‌اند. جهان باید از مغالطات فریبیده لبریز شود. یک ذهن انسانی، با پذیرفتن این مغالطات، بر ذهن‌های انسانی دیگر اثر خواهد گذاشت؛ ذهن‌هایی که شواهد گران‌بهای حقیقت خدا را به دروغ مبدل ساخته‌اند. این مردان به وسیله فرشتگان سقوط کرده فریب خواهند خورد، حال آنکه می‌بایست همچون پاسبانان امین ایستادگی می‌کردند و برای جان‌ها دیده‌بانی می‌نمودند، چون کسانی که باید حساب پس دهند. آنان سلاح‌های پیکار خود را بر زمین نهاده‌اند و به ارواح اغواگر گوش فرا داده‌اند. ایشان مشورت خدا را بی‌اثر می‌سازند و هشدارها و توبیخ‌های او را کنار می‌نهند، و به راستی در جانب شیطان ایستاده‌اند و به ارواح اغواگر و تعالیم دیوها گوش می‌سپارند.»

«مستی روحانی اکنون بر مردمانی عارض شده است که نباید چون کسانی که تحت تأثیر شراب مسکرند، تلوتلو بخورند. جنایت‌ها و بی‌نظمی‌ها، تقلب، فریب، و دادوستد ناعادلانه جهان را پر ساخته است، مطابق با تعلیم آن پیشوایی که در صحن‌های آسمانی سر به عصیان برداشت.»

«تاریخ تکرار خواهد شد. می‌توانستم مشخص سازم که در آینده نزدیک چه خواهد بود، اما هنوز زمان آن فرا نرسیده است. صورت‌های مردگان ظاهر خواهند شد، به وسیله حیلۀ زیرکانه شیطان، و بسیاری با آن‌که دروغ را دوست می‌دارد و به عمل می‌آورد، همراه خواهند شد. من قوم خود را هشدار می‌دهم که درست در میان خود ما برخی از ایمان روی‌گردان خواهند شد و به ارواح اغواگر و تعالیم دیوها گوش خواهند سپرد، و به سبب ایشان بر حقیقت بد گفته خواهد شد.»

همه انبيا، از جمله اشعيا و خواهر وايت، ايام آخر را مشخص می کنند. در اين ايام، رهبران ادونتيسم «به طور آشکار در جانب شيطان قرار دارند و به ارواح اغواکننده و تعاليم ديوها گوش فرا می دهند.» خواهر وايت پيشگويی ای را مطرح می کند آنگاه که می گوید: «وقتی اين فريب های روح گرايانه آشکار شود که واقعاً چه هستند—اعمال پنهانی ارواح شرير—آنان که در آنها نقشی ایفا کرده اند، مانند مردمانی خواهند شد که عقل خود را از دست داده اند.» رهبری ادونتيسم در آن مقطع از تاريخ ايام آخر که مستی ايشان آشکار می شود که «اعمال پنهانی ارواح شرير» است، مانند مردمانی خواهد شد که عقل خود را از دست داده اند.

در ايام آخر، کاری که مردان استهزاکننده ای که بر قوم در اورشليم حکم می رانند انجام می دهند، آشکار و از مهر گشوده می شود. اين گشوده شدن مهر در رؤیای ميلر به تصوير کشيده شد، آن گاه که ميلر دعا کرد و سپس دری گشوده شد. اين امر درست پيش از آن رخ می دهد که او برای لحظه ای چشمان خود را بست، و اين، پايان کامل فرايند مهر شدن صد و چهل و چهار هزار را مشخص می سازد. گشوده شدن پک در، نشان دهنده تغييری در دوره های تدبير الهی است، و در آن نقطه، جنبش لائوديکيه ای فرشته سوم به جنبش فيلادلفيايي فرشته سوم انتقال می يابد.

در اين بخش از اشعيا، خلاصه ای از کار شريترانه مستان افرايم آمده است؛ همان مردانی که «می بایست همچون پاسبانانی امين ايستادگی می کردند». اين خلاصه چنين بيان شده است: «يقيناً وارونه ساختن شما همچون گل کوزه گر محسوب خواهد شد؛ زیرا آيا مصنوع دربارۀ سازنده خود خواهد گفت: او مرا نساخته است؟ يا آيا چيز شکل يافته دربارۀ شکل دهنده خود خواهد گفت: او هيچ فهمی نداشت؟»

تعيين «قربانی دائمی» از سوی ميلر، خواه به عنوان دين بت پرستی باشد و خواه روم بت پرست، در نهايت نمادی از شيطان است؛ زیرا هم شيطان و هم روم بت پرست هر دو به صورت اژدها نمايانده شده اند.

«پس، در حالی که اژدها، در وهله نخست، نمايانگر شيطان است، در معنای ثانوی، نمادی از روم بت پرست نیز هست.» نبرد عظيم، 439.

उस लोग कुछ: "है कहती व्हाइट ससिटर, है करते शासन पर यरूशलेम में दनिों के अन्त जो की पुरुषों उन में बारे है। रहे अपना को भ्रान्त त्यागकर को सत्य और, है प्रचलति जो है रहे जा होते प्रोत-ओत से अन्धकार एक लिए उनके मसीह यीशु है। गया नहीं समझा को मसीह यीशु है। पहुँचा आ दनि संकेतति द्वारा भवषियवाणी में वषिय के "the daily" में पुस्तक की दानियेल ने अगुवे एक के एडवेटवाद से जर्मनी, में" 1901 है। कपोलकथा की है ठहराता यह दृष्टिकोण वह कथि। आरम्भ देना परचिय का दृष्टिकोण मथिया के प्रोटेस्टेटवाद धर्मत्यागी कोई "मै है। रूपान्तर कोई का वचिर उस या, है करता प्रतनिधित्व का सेवा-पवतिरस्थान की मसीह "the daily" बल के प्रकार भनिन-भनिन पर असत्य उस में इतिहास के पश्चात् के 1901 क्योर्क हूँ कहता इसलिए" रूपान्तर किसी के मसीह "the daily" की है करते प्रकट को नषिकर्ष इस सदैव दृष्टिकोण मथिया वे परन्तु, है गए दएि है। करता प्रतनिधित्व का कार्य के प्रकार

جواهری که همان آموزه «مستمر» بود و ميلر آن را نمادی شيطانی شناسایی کرده بود، در ادونتيسم ايام آخر، نمادی از مسيح است. هنگامی که اين دیدگاه در سال ۱۹۰۱ مطرح شد، شمار بسيار اندکی پذيرفتند که «مستمر» نمادی از مسيح است و نه نمادی از شيطان؛ اما تا دهه ۱۹۳۰، آن گوهر آموزه «مستمر» که ميلر آن را از رگۀ حقيقت موجود در دوم تسالونيکيان، باب دو، بيرون کشيده بود، همان گونه رد شده بود که «هفت زمان» لاويان بيست و شش در سال ۱۸۶۳ رد شده بود. در جایی از

تاریخ میان ۱۸۶۳ تا دهه ۱۹۳۰، ادونتیسیم بی‌آنکه آن را تشخیص دهد، رهبران خود را تغییر داده بود.

«برادران، خطر شما را می‌بینم، و بار دیگر می‌پرسم: آیا شما که خطا می‌کنید، هیچ تلاشی برای اصلاح آنچه نادرست است به عمل می‌آورید؟ جان‌ها ممکن است در حال لغزش پیش روند و در تاریکی گام بردارند، زیرا شما برای پاهای خود راه‌های راست نساخته‌اید. اگر در مواضع امانت قرار دارید، با اصراری بیشتر شما را استدعا می‌کنم که به‌خاطر جان‌های خودتان و به‌خاطر کسانی که به شما همچون راهنمایان می‌نگرند، از هر خطایی که مرتکب شده‌اید در حضور خدا توبه کنید و به خطای خود اعتراف نمایید.»

«اگر بر سرسختی دل پافشاری کنید، و از راه تکبر و خودپارسانگاری به خطاهای خود اعتراف ننمایید، در معرض وسوسه‌های شیطان واگذاشته خواهید شد. اگر هنگامی که خداوند خطاهای شما را آشکار می‌سازد، توبه نکنید یا اعتراف ننمایید، عنایت او شما را بارها و بارها از همان مسیر عبور خواهد داد. واگذاشته خواهید شد تا خطاهایی با همان ماهیت مرتکب شوید؛ همچنان از حکمت بی‌بهره خواهید ماند، و گناه را عدالت، و عدالت را گناه خواهید خواند. کثرت فریب‌هایی که در این ایام آخر رواج خواهد یافت شما را در میان خواهد گرفت، و رهبران خود را تغییر خواهید داد، و نخواهید دانست که چنین کرده‌اید.» Review and Herald, December 16, 1890.

مردان استهزاگر که بر قوم اورشلیم حکومت می‌کنند، که مردانی «در مناصب امانت» هستند، «گناه را عدالت و عدالت را گناه خواهند خواند»، و «به‌یقین این وارونه‌ساختن شما همچون گل‌کوزه‌گر محسوب خواهد شد؛ زیرا آیا مصنوع دربارۀ صانع خود خواهد گفت: او مرا نساخت؟ یا آیا چیز صورت‌یافته دربارۀ صورت‌دهنده خود خواهد گفت: او فهمی نداشت؟» در این شورش تدریجی در طی چهار نسل ادونتیسیم، آنان که در مناصب امانت‌اند، رهبران را تغییر می‌دهند و خود از آن آگاه نیستند. از آن آگاه نیستند، زیرا به‌گونه‌ای تدریجی و پیوسته، شواهد خطاهای خویش را رد کرده‌اند. در آن شورش تدریجی، «حکمت حکیمان ایشان نابود خواهد شد، و فهم فهیمان ایشان پنهان خواهد گردید.»

آنان همه چیز را واژگون خواهند کرد، و گناه را عدالت و عدالت را گناه خواهند نامید. نماد این شورش، تعلیم «قربانی دائمی» است؛ تعلیمی که از نظر میلر نمادی شیطانی بود، و امروزه ادونتیسیم آن را نمادی از مسیح می‌شناسد. آنچه زمانی لنگری بود که چارچوب کاربردهای نبوی ویلیام میلر را استوار می‌ساخت، اکنون به نمادی از مستی مردان استهزاگری تبدیل شده است که بر قوم اورشلیم حکومت می‌کنند. نمادپردازی مربوط به «قربانی دائمی» در کتاب دانیال، هنگامی که در صندوقچه میلر در آغاز ادونتیسیم شناخته شد، چون خورشید درخشید؛ اما در ایام آخر، آن حقیقت ده برابر درخشان‌تر می‌تابد، زیرا عدد ده نماد آزمون است، و برای اسرائیل باستان، آزمون دهم، آزمون نهایی بود.

فریسیان جدید «اعمال مسیح» را «به عوامل شیطانی» «نسبت داده‌اند» و بت‌پرستی را «قدرت مقدس خدا» معرفی کرده‌اند.

«فریسیان علیه روح‌القدس گناه ورزیدند. استعداد سخنوری ایشان برای اهانت به فدیۀ‌دهنده جهان به کار رفت، و فرشته ثبت‌کننده، سخنان آنان را در کتاب‌های آسمان نوشت. آنان قدرت مقدس خدا را که در اعمال مسیح ظاهر شده بود، به عوامل شیطانی نسبت دادند. ایشان نمی‌توانستند از کنار کارهای شگفت‌انگیز او بگذرند، یا آنها را به علل طبیعی نسبت دهند؛ ازاین‌رو گفتند: "اینها کارهای ابلیس است." در بی‌ایمانی، از پسر خدا همچون یک انسان سخن گفتند. اعمال شفا بخشی‌ای که در برابر ایشان انجام شد، اعمالی که هیچ انسانی نه انجام داده بود و نه می‌توانست انجام دهد، جلوه‌ای از قدرت خدا بود؛ اما آنان مسیح را متهم کردند که با دوزخ هم‌پیمان است. سرسخت، عبوس، و سنگدل، بر آن شدند که چشمان خود را بر تمامی شواهد ببندند، و بدین‌سان گناه نابخشودنی را مرتکب شدند.» Manuscript Releases, volume 4, 360.

ما در مقاله بعدی به بررسی افزایش معرفت، که در حرکت فرشته اول گشوده شد، ادامه خواهیم داد.